بسم‌الله الرحمن الرحیم

# پدر مهربان

## شربتی گوارا در روزهای تشنگی

امّا امروز شما نگاه کنید ببینید همه‌جا جنگ، همه‌جا ناامنی، همه‌جا ترس، همه‌جا گمراهی، همه‌جا دوری دل‌ها از یکدیگر... **این‌ها همه به‌خاطر این است که سؤالات زندگی درست جواب داده نشده،** غلط فهمیده شده... اینکه شما این همه تکرار می‌کنید «اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیم‌» به‌خاطر همین است. صراط مستقیم یعنی آن راهی که این آفت‌ها، این مشکلات در آن وجود ندارد... **این هدایت در قرآن است.** اگر با قرآن اُنس گرفتیم... آن‌وقت پاسخ درست به سؤالات زندگی به ما داده خواهدشد. جوانان عزیز، حالا ان‌شاءالله هرچه با قرآن بیشتر اُنس بگیرید، این حقایق بیشتر برای شما آشکار خواهد شد؛ **هرچه از این شربت گوارا بنوشید، بیشتر مشتاق خواهید شد، بیشتر تشنه خواهید شد.** (امام خامنه‌ای، 10/1/69)

# برای دوستم چی بفرستم؟

هیچ‌وقت پدر و مادرمان را به‌خاطر چیزی که نتوانستند به ما بدهند سرزنش نکنیم،
شاید
تمام دارائیشان همان بوده که برایمان فراهم کرده‌اند.

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری

## به خاطر مادر!

منتظر بودم مجتبی از جبهه برگرده. اما شب شد و هر چه انتظار کشیدم نیومد و خوابم برد. صبح زود بلند شدم تا برم نون بگیرم. **همه جا رو برف پوشانده بود و هوا خیلی سرد شده بود. در خونه رو که باز کردم، دیدم پسرم توی کوچه خوابیده.** بیدارش کردم و گفتم: «کی از جبهه برگشتی مادر؟» سلام کرد و گفت: «نصف شب رسیدم.» گفتم: «پس چرا در نزدی تا بیام باز کنم؟» گفت: «مادر جان! ترسیدم نصف شب با در زدنِ من هُل کنید و از خواب بپرین، واسه همین دلم نیومد بیدارتون کنم. پشت در خوابیدم که صبح بشه.»

(خاطره‌ای از زندگی شهید مجتبی خوانساری به روایت مادر شهید، به نقل از خاکریز خاطرات، ص 135)

# هنر و خلاقیت

## عروسک چوبی

**وسایل مورد نیاز:**

* چوب بستنی
* مقوای زمینه
* چسب مایع
* کاه / کاموا
* قیچی
* ماژیک

**مراحل ساخت:**

1. روی مقوای پس‌زمینه چسب مایع بزنید و چوب‌ بستنی‌ها را مثل عکس زیر روی کاغذ یا مقوای زمینه بچسبانید.
2. بعد کاه یا کاموا را به جای موهای عروسک بچسبانید.
3. در مرحله بعد کلاه عروسک را با رنگ گواش یا آبرنگ نارنچی نقاشی کنید.
4. در آخرین مرحله از این کاردستی ساده، صورت عروسک را مانند عکس زیر با ماژیک سیاه و قرمز نقاشی کنید.

\* در صورتی‌که کاه یا کاموا برای موهای مترسک ندارید، مانند عکس، کاغذ رنگی یا کاغذ کادو را قیچی کنید و مانند مو به صورت عروسک وصل کنید.

\* برای بینی و چشم‌های کاردستی هم می‌توانید از کاغذ، مقوا یا پارچه نمدی استفاده کنید.



(به نقل از تارنمای شهر کودک)

\* بیندیشید که با خلاقیت خودتان چه کاردستی‌های دیگری با چوب بستنی می‌توانید بسازید؟

# هوش و سرگرمی

## یک معما، یک چیستان

چیستان

آن چیست که سر ندارد، کلاه دارد، یک پا دارد و کفش ندارد؟

معما

یک معلم علوم تجربی در سر کلاس آزمایشگاه می‌گوید هر کسی که بتواند این تخم‌مرغ را بدون اینکه پوست آن شکسته‌شود، درون این بطری با دهانه کوچک بکند این هفته مشق نخواهد داشت.

البته با این قانون که:

تخم‌مرغ باید «یک تکه» به داخل بطری رفته و آسیب نبیند، بطری را نمی‌توانید بشکنید، همچنین از وسایل آزمایشگاه می‌توانید از مقداری کاغذ، یک بسته کبریت، مقداری سرکه و یک لگن استفاده کنید.

 پس از چند لحظه یکی از بچه‌های کلاس اعلام آمادگی می‌کند و با استفاده از لوازم آزمایشگاهی ذکر شده، تخم‌مرغ را داخل بطری کند. او چگونه این کار را انجام داد؟

نکته: توجه داشته باشید که بدون اینکه کاری با تخم مرغ انجام شود، تخم‌مرغ نمی‌تواند داخل بطری برود.

پاسخ چیستان:

قارچ

پاسخ معما:

در ابتدا سرکه را داخل لگن می‌ریزیم و تخم‌مرغ را می‌گذاریم تا در داخل آن خیس بخورد. بدین نحو، بدون اینکه پوسته با خطر شکستن روبه‌رو شود، نرم می‌شود. پس از اینکه تخم مرغ خوب خیس خورد، مقداری از کاغذ را خورد کرده و داخل بطری می‌ریزیم. حال کبریت را برداشته و کاغذ پاره‌های درون بطری را آتش می‌زنیم. سپس تخم مرغ خیس خورده در سرکه را برداشته و بر روی مجرای ورودی بطری قرار می‌دهیم. بدین نحو محل ورود اکسیژن به داخل بطری بسته می‌شود. آتش نمی‌تواند بدون دریافت اکسیژن روشن بماند برای همین، مکشی در داخل بطری برای دریافت اکسیژن اتفاق می‌افتد و آتش، تخم‌مرغ را به درون بطری می‌مکد. بعد از زمان کوتاهی پوسته تخم مرغ نیز حالت سخت اولیه خود را باز می‌یابد.

# یک پیشنهاد

## دوستان خداحافظی نمی کنند

مؤلف: [داوود امیریان](http://bookroom.ir/people/1662/%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%88%D8%AF-%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86)/ قطع: رقعی / ناشر: [کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان](http://bookroom.ir/publications/2619/%DA%A9%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%B4-%D9%81%DA%A9%D8%B1%DB%8C-%DA%A9%D9%88%D8%AF%DA%A9%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D9%86%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86) / تعداد صفحات: 112صفحه/ قیمت: 1500 تومان، چاپ 1385

یکی از درس‌های دفاع مقدس به ما نوجوانان امروز این بود با سن کم هم می‌توان مردانه زندگی کرد.

داستان کتاب به این شرح است: دو دوست با نام های «آرش» و «مرتضی» - با وجود سن پایین - تصمیم می‌گیرند با قطارهای تهران - خرمشهر عازم جبهه شوند. اما از آنجا که این کار غیر قانونی است، آن‌ها قرار می‌گذارند تا بدون تهیه بلیت و اطلاع مأموران قطار از این امر، راهی خرمشهر شوند. سرانجام نیز... .

داستان درباره اتفاقاتی است که درباره آرش در جبهه می‌افتد.

# دانستنی‌ها

## شگفتی آفرینش مورچه

* مورچه‌ها مثل ما انسان‌ها گوش ندارند، بلکه آن‌ها با ارتعاشات حسی می‌شنوند. وجود حس‌گرهای خاص در شاخک‌ها و پاهایشان به آن‌ها کمک می‌کند ارتعاشات محیط زندگی‌شان را حس کنند.
* مورچه‌ها بزرگ‌ترین مغز را در میان حشرات دارند. مورچه‌ها دارای حدود 250000 سلول مغزی هستند که بیشتر از [حشرات](https://020.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%86/%D8%AD%D8%B4%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF%D8%9F)دیگر است.
* مورچه‌ها دو معده دارند. یک معده برای تغذیه خود مورچه کاربرد دارد در حالی که با معده دیگر مواد غذایی را با مورچه‌های داخل اجتماعشان به اشتراک می‌گذارند.
* مورچه‌ها نمونه مثال‌زدنی از کار و کوشش‌اند.
* برخی از مورچه‌ها دارای بدنی شفاف‌اند. آن‌ها می‌توانند به رنگ هر غذایی که می‌خورند، درآیند.

(به نقل از تارنمای 020)

# حکایت

## روزه شکستیم ولی دل نشِکستیم!

جذامیان (افرادی که دارای بیماری پوستی هستند.) به ناهار مشغول بودند و به حلاج تعارف کردند .
حلاج برسفره آن‌ها نشست و چند لقمه بر دهان برد .
جذامیان گفتند: «دیگران بر سفره ما نمی‌نشینند و از ما می‌ترسند!»
حلاج گفت: «آن‌ها روزه‌اند و سپس برخاست و رفت.»
غروب، هنگام افطار حلاج گفت: «خدایا روزه مرا قبول بفرما.»
شاگردان گفتند: «استاد ما دیدیم که تو روزه شکستی!»
حلاج گفت: **«ما مهمان خدا بودیم. روزه شکستیم، اما دل نشکستیم!»**

 \* روزه مستحبی را با تعارف کردن، می‌توان شکست؛ به خاطر ارزش و اهمیت دل مؤمنان.

وعده این هفته: یادمان باشد که دلی را نشکنیم.

# یادداشت اول

## سرزمین گوهرها

شب بود و تاریک. چشم چشم را نمی‌دید. پیامبرشان گفت: **«هر کسی از زمین چیزی بردارد، پشیمان می‌شود. هر کسی هم که از زمین چیزی برندارد، پشیمان می‌شود!»** برخی گفتند اگر به هر حال پشیمان می‌شویم، چه کاری است که بار خود را سنگین کنیم. برخی دیگر گفتند ضرر ندارد مقداری با خود می‌بریم. وقتی به روشنایی رسیدند، قهمیدند که زیر پایشان گوهرهای گران‌بها بوده. هر کس چیزی برنداشته پشیمان بود که ای کاش مشتی برمی‌گرفت. آن کس هم که برداشته پشیمان بود که چرا بیشتر برنداشته.

**رمضان مثل همان سرزمین گوهرهاست. با این فرق که پیامبر ما، گفته که تا می‌توانید گوهر جمع کنید.** آن‌وقت خودش این روزها، از خواب و خوراک می‌افتاد.

فرصت دارد تمام می‌شود. نکند کسی نابخشوده از این سرزمین بیرون رود.

# احکام

## روزه و بیماری‌های مزمن

بیماری معده دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد. حتی قضای روزه را هم نمی‌تواند به جا آورد. در این صورت باید به ازای هر روز فدیه بپردازد. یعنی یک مد طعام (حدود 750 گرم) به فقیر بدهد.

متن دقیق رساله:

بیماری که به واسطه‌ بیماری، روزه‌ ماه رمضان را نگرفته و بیماری‌اش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرده است، قضای روزه‌هایی را که نگرفته واجب نیست، فقط باید برای هر روزی فدیه بپردازد.

رساله آموزشی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بخش موارد فدیه روزه

# در محضر قرآن

## یک گفتگوی آدمیزادی

**اگر مثل آدم حرف بزنیم، کارمان می‌گیرد. وگرنه، نه!**

\*\*\*

رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در فاصلۀ کمی دو پشتیبان بزرگشان را، حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب، از دست دادند. دست قریش در آزار بازتر شد. راحت بر سرشان خاکستر می‌ریختند و مسخره‌شان می‌کردند. در طائف کاری کردند که کودکان حضرت را با سنگ بدرقه کردند. صاحبان قریشی باغی که پیامبر کنج آن با خدا مناجات می‌کردند، با تمام دشمنی‌ها دلشان سوخت. غلام مسیحی‌شان را، عداس، با ظرفی انگور نزد ایشان فرستادند. تا حضرت برای خوردن انگور بسم‌الله گفتند، غلام تعجب کرد. عداس با گفتگویی کوتاه متوجه شد با پیامبر خدا سخن می‌گوید. صاحبان باغ دودستی بر سر خود زدند هنگامی که دیدند غلامشان دست و پای حضرت را می‌بوسد. یک گفتگوی ساده تمام نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب کرد.

**اُدْعُ إِلَى سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ[[1]](#footnote-1)**

مردم را با سخنان حکیمانه و اندرزی نیکو و بهترین شیوۀ گفتگو به راه خدا دعوت کن

# در محضر اهل‌بیت

## گمشدۀ آدم‌حسابی‌ها

**تشنه قدر آب را می‌داند، حتی یک قطره‌اش.**

\*\*\*

صابئی‌ها توحید را قبول دارند، ولی نبوت را نه. ابواسحاق یکی از همین‌ها بود. به زبان امروز حسابدار خلفای عباسی بود. تلاش‌های عزالدوله برای مسلمانی‌اش نتیجه نداشت، ولی ماه مبارک به احترام مسلمانان روزه می‌گرفت و قرآن زیاد حفظ داشت. از قرآن در نوشته‌هایش فراوان استفاده می‌کرد. آن‌قدر اهل فضل و ادب بود که وقتی درگذشت، سید رضی برایش مرثیه سرود. سید رضی خودش از بزرگان شیعه در قرن چهارم بود و یکی از کارهایش جمع‌آوری همین نهج‌البلاغۀ معروف است. بعضی‌ها از اینکه فرزند پیامبر برای غیر مسلمان شعر گفته بود، ناراحت شدند. سید هم گفت من برای فضلش مرثیه گفتم و ناراحتم که آن‌همه دانش زیر خاک رفت.[[2]](#footnote-2)

**الحِکمَةُ ضالَّةُ المُؤمِنِ فَخُذِ الحِکمةَ وَ لَوْ مِنْ أهلِ النِّفاقِ[[3]](#footnote-3)**

حکمت گمشدۀ مؤمن است. پس حکمت را بجویید، حتی از منافق و غیر مسلمان!

# سؤالات

در محضر قرآن – چگونه باید مردم را به راه خدا دعوت کرد؟

با بی‌حوصلگی و خشونت

با سخنان حکیمانه و موعظه‌های نیکو و گفتگویی زیبا

با هر وسیله‌ای ولو ترساندن و حرف‌های سست و بی‌اعتبار

در محضر اهل‌بیت – حکمت را از چه کسانی می‌توان آموخت؟

از هر کسی حتی منافقان

تنها از معصومان

تنها از دانشمندان

۳.یادداشت اول- در داستان سرزمین گوهرها، چرا همه به هر حال پشیمان شدند؟

چون همه گناه کرده بودند.

چون آن که چیزی برنداشته، پشیمان بود که ای کاش مشتی برمی‌گرفت. آن کس هم که برداشته پشیمان بود که چرا بیشتر برنداشته.

چون امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده بودند و خدا خشک و تر را با هم سوزاند.

۴.تکلیف روزه‌های کسی بیماری مزمن دارد که تا ماه رمضان سال بعد به طول می‌کشد، چیست؟

باید به ازای هر روز که روزه نمی‌گیرد، فدیه پرداخت کند.

با وجود ضرر باید حتماً قضا کند.

چیزی بر عهده‌اش نیست و تکلیفی ندارد.

1. نحل125 [↑](#footnote-ref-1)
2. وفيات الاعيان ، ابن خلكان ، ج 1، ص 36 [↑](#footnote-ref-2)
3. نهج‌البلاغه، حکمت80 [↑](#footnote-ref-3)